نوع مقاله: ترویجی

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶
پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶

طرح و نقش منسوجات کاربردی در مبلمان عصر قاجار به روایت اسناد تاریخی*

آمنه مافی‌تبار** عبدالمجید شریف‌زاده***

چکیده

در عصر قاجار، مبلمان در معنای بسیط و نه صرفاً تداعی امروزی آن، نقش مهمی در فراهم آوردن آسودگی مردم داشت. به‌دلیل حضور گستردهٔ منسوجات در این کاربرد، هدف مقالهٔ پیش‌رو، بررسی طرح و نقش انواع پارچه‌های مورداستفاده در این مصداق است. جهت دستیابی به این هدف، با شناسایی مبلمان قاجاری، چگونگی کاربرد پارچه در آن‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است. بنابراین، پرسش این است: در فضای نشیمن و استراحت منازل عصر قاجار، انواع مبلمان در چه قالبی تعریف می‌شود و پارچه‌های کاربردی در ساخت، تکمیل و تزیین آن‌ها از نظر طرح و نقش چگونه است؟ این پژوهش با رویکرد تاریخی و روش توصیفی ـ تحلیلی شکل گرفته است. نتیجهٔ گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای، با غور در اسناد تاریخی، ازجمله سفرنامه‌ها، نمونه پارچه‌های به‌جامانده و تصاویر مشتمل بر نقاشی و عکس، نشان داد که اصلی‌ترین مبلمان این عهد با کاربری منسوجات، مشتمل بر شکل‌های متحرک است و به‌صورت انواع جداره‌ای نرم (رختخواب‌پیچ، مخده، متکا، بالش، تشک، لحاف و پتو)، جداره‌ای سخت (میز، صندلی، کرسی) و کف‌پوش (روفرشی و سفره به وقت پذیرایی) معنی پیدا می‌کند. منسوجات کاربردی در مبلمان جداره‌ای نرم، به غیر از اقسام بدون طرح و نقش، واگیره‌ای، محرمات، قابی و افشان بود. در مبلمان جداره‌ای سخت، صور ترنج‌دار و واگیره‌ای غالب می‌نمود؛ هرچند انواع افشان و محرمات نیز به‌عنوان رومیزی استفاده داشت. درنهایت طرح‌های محرمات و ترنج‌دار به‌ترتیب برای روفرشی و سفره از رواج برخوردار بود. در تمام این موارد، نقش گیاهی پیشتاز میدان رقابت می‌نمود. البته طرح‌های محرمات و قابیِ بدون نقش نیز وجود داشت و گاه صور هندسی به تبعیت از شیوهٔ نقش‌اندازی (چشمه‌دوزی) بر پارچه ظاهر می‌شد. درمجموع مشخص شد که برخی از انواع طرح‌های نه‌گانهٔ پارچه‌های سنتی در ساخت مبلمان قاجاری دخیل نبوده‌اند و برخی دیگر مشتمل بر افشان، ترنج‌دار، واگیره‌ای، محرمات و قابی مورد بهره‌برداری بیشتر قرار گرفته بودند.

کلیدواژه‌ها: منسوجات قاجار، مبلمان قاجار، اسناد تاریخی، طرح پارچه، نقش پارچه

---

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی آمنه مافی‌تبار با عنوان «تحلیل و طبقه‌بندی طرح و نقش پارچه‌های عصر قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۵ ه.ش.)» است که در قالب ارتباط دانشگاه هنر با جامعه و صنعت در پژوهشکدهٔ هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به انجام رسیده است.

** استادیار، گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکدهٔ هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران (نویسندهٔ مسئول). a.mafitabar@art.ac.ir

*** استادیار، پژوهشکدهٔ هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران. s_a_majidsharifzade@yahoo.com

مقدمه

قاجاریان در بازهٔ تاریخی وسیعی (۱۳۴۳-۱۲۱۰ه.ق. / ۱۹۲۵-۱۷۹۶م.) بر ایران فرمان راندند. در این برههٔ تاریخی طولانی، ایران به موازات سایر کشورهای جهان، رخدادهای مهمی را از سر گذرانید که از مهم‌ترین آن‌ها انقلاب صنعتی بود. این واقعه نه‌تنها هنر نساجی، بلکه دیگر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تحت‌الشعاع قرار داد. از سویی، با بالا گرفتن رابطهٔ بینابین ایران و سایر دول، ازجمله کشورهای اروپایی، تأثیر سبک زندگی ایشان بر پادشاهان، رجال و به تبع، مردم عادی جامعه نمود بیشتری یافت و این تأثیر در فضاسازی داخلی مشهود گشت، به‌نوعی که میز و صندلی و سایر ملزومات متناسب با آن در زندگی مقامات بالای مملکت، صاحب نقش شد. البته هدف این مقاله، تحلیل کاربرد منسوجات در تهیهٔ مبلمان عصر قاجار در شکل بسیط و فراتر از شکل امروزین آن است. در مرتبهٔ بعدی، طرح و نقش این منسوجات مورد ژرف‌نگری قرار می‌گیرد. با این حساب، چگونگی بهره‌گیری از منسوجات در مبلمان این دوره، گام نخستی است که نیل به مقصود را در گام پسین میسر می‌سازد، چراکه این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است: در فضای نشیمن و استراحت منازل عصر قاجار، انواع مبلمان در چه قالبی تعریف می‌شود و پارچه‌های کاربردی در ساخت، تکمیل و تزیین آن‌ها از نظر طرح و نقش چگونه است؟ بنابراین با شناسایی مبلمان رایجی که منسوجات در آن مؤثر بوده است، می‌توان نسبت‌به احراز نتیجه اقدام نمود. در ضرورت انجام این پژوهش آنکه در بررسی پارچه‌های عصر قاجار، به‌صورت معمول بر موارد کاربردی در پوشاک تمرکز می‌شود و دیگر مصارف مغفول می‌ماند. پارچه‌های مورداستفاده در مبلمان قاجار، یکی از مصادیقی است که به‌رغم اهمیت و گستردگی، کمتر موردتوجه بوده است. افزون‌براین، در بیشتر پژوهش‌های پیشین، بر منابع دست‌دوم تمرکز شده و حداکثر چند مورد از مکتوبات دست‌اول مورد تذکر بوده است، درحالی‌که در مقالهٔ پیش‌رو، با نظر به مسئلهٔ بکر و چالش‌برانگیز، یعنی انواع مبلمان قاجار و پارچه‌های کاربردی در این مصرف، مآخذ دست‌اول و معاصر با دورهٔ تاریخی مذکور را به واکاوی می‌گیرد. با این نگاه، پس از اشارهٔ مختصر به طبقه‌بندی انواع مبلمان در عصر قاجار (مبلمان جداره‌ای نرم و سخت)، چگونگی تعریف طرح و نقش در منسوجات تاریخی از منظر هنرهای سنتی به بحث گرفته می‌شود، سپس برخی از مهم‌ترین شکل‌های مبلمان قاجاری که منسوجات در ساخت و تکمیل آن‌ها تأثیر به‌سزایی داشته، بررسی و نتیجه در قالب جدول عرضه می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش کیفی حاضر که رویکرد تاریخی دارد، به شیوهٔ توصیفی ـ تحلیلی، کاربرد منسوجات در مبلمان عصر قاجار را بررسی می‌کند. این پژوهش توسعه‌ای با روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای شکل می‌گیرد. جهت دستیابی به این هدف، از میان منابع تاریخ‌نگاری، قریب به پنجاه سفرنامه فیش‌برداری می‌شود و با تصویرخوانی (نمونه پارچه‌های به‌جامانده و تصاویر مشتمل بر نقاشی و عکس از دورهٔ قاجار) به سرانجام می‌رسد. نمونه‌گیری به‌صورت طبقه‌بندی احتمالی صورت می‌گیرد تا جامعهٔ آماری مشتمل بر مبلمان جداره‌ای نرم (رخت‌خواب‌پیچ، مخده، متکا، بالش، تشک، لحاف و پتو)، مبلمان جداره‌ای سخت (میز، صندلی، کرسی) و انواع کف‌پوش (روفرشی و سفره به وقت پذیرایی) را مورد مطالعه قرار دهد.

پیشینهٔ پژوهش

فارغ از منابع متکثری که به فرم و شکل پوشاک در عصر قاجار پرداخته‌اند، برخی پژوهش‌ها، طرح و نقش منسوجات را در کاربرد لباس مورد ژرف‌نگری قرار داده‌اند؛ ازجملهٔ آن‌ها «مطالعهٔ تطبیقی نقوش و انواع سوزن‌دوزی در پوشاک زنان و مردان دربار قاجار» از زهرا حاجی‌قاسمی و دیگر همکاران (۱۴۰۰) در دوفصلنامهٔ علمی هنرهای صناعی ایران است. مورد دیگر، «بازیابی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی شاه قاجار با استفاده از پیکرنگاری درباری» از آمنه مافی‌تبار و فاطمه کاتب (۱۳۹۷) است که در دوفصلنامهٔ علمی پژوهش هنر اصفهان به چاپ رسیده و البته اشارهٔ مختصری به طرح و نقش انواع منسوجات در دیگر مصارف، غیر از پوشاک روا داشته است، اما دربارهٔ بررسی انواع مبلمان قاجاری بایست به «شیوهٔ تعامل مبلمان، معماری و سبک زندگی در خانه‌ها و کاخ‌های سنتی ایران (با تأکید بر دورهٔ قاجار و شهر تهران)» اشاره کرد که مطهره موسوی و همکارانش (۱۳۹۹) در فصلنامهٔ علمی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات به نشر رسانده‌اند و نسبت‌به بررسی این مسئله به‌جهت ساختاری اقدام کرده‌اند. مقالهٔ حاضر می‌کوشد با نظر به دسته‌بندی انواع مبلمان قاجار و تبیین چگونگی استفاده از منسوجات در آن‌ها، نسبت‌به واکاوی طرح و نقش پارچه در این کاربرد اقدام نماید. این مقاله برای دستیابی به هدف خود از منابع دست‌اول، مشتمل بر سفرنامه‌های سیاحان و سفرای خارجی بهره می‌گیرد و انعکاس آن را در نقاشی‌ها، عکس‌ها و نمونه پارچه‌های به‌جامانده از آن دوره جست‌وجو می‌کند تا بتواند با تکیه بر آنچه به‌صورت مستقیم و بی‌واسطه با عصر قاجار ارتباط دارد،

نسبت‌به طبقه‌بندی صوری منسوجات مورداستفاده در این کاربرد اقدام نماید.

انواع مبلمان در عصر قاجار

اسباب و لوازم کاربردی قابل‌حمل چون میز، صندلی و تختخواب که برای سهولت در زندگی و کار، در اتاق یا خانه به کار می‌روند، به مبلمان مشهور هستند. مبل در اصل واژه‌ای فرانسوی است که در عصر قاجار به فرهنگ زندگی مردم ایران راه یافته است. در ساخت مبلمان از مواد مختلفی ازجمله پارچه استفاده می شود. مبلمان از شکل‌های سادهٔ صرفاً کاربردی تا فرم‌های بسیار تزیینی را در بر می‌گیرد (معین، ۱۳۸۳: ۸۵۵). کاربرد مبلمان در ایران عصر قاجار را می‌توان به انواع ثابت و متحرک تقسیم کرد. مبلمان متحرک به انواع جداره‌ای و کف تقسیم می‌شود. مبلمان جداره‌ای نیز به دو طبقهٔ نرم (پشتی، تشکچه، بالش، مخده، رختخواب و...) و سخت (تخت، میز و صندلی) قابل طبقه‌بندی است. مبلمان کف، مشتمل بر قالی، زیلو، گلیم و روفرشی است. طاقچه، سربخاری، سکوها، جاکفشی، گنجه و... زیرمجموعهٔ مبلمان ثابت هستند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲۶). مبلمان ثابت، به‌دلیل عدم تأثیر منسوجات در کارکرد آن‌ها، مورد پژوهش این مقاله به حساب نمی‌آید، اما درمقابل، مبلمان جداره‌ای (نرم و سخت) محل تمرکز این مقاله خواهد بود، چراکه در این انواع، پارچه در طیف گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته به موارد معدودی از مبلمان کف نیز اشاره خواهد شد؛ نمونه‌هایی که به‌عوض بافته‌های داری (قالی و گلیم)، بافته‌های دستگاهی (منسوجات) در آن‌ها دخیل است، اما مسلم آنکه با نظر به دسته‌بندی فوق، مبلمان جداره‌ای و خاصه از نوع نرم، عرصهٔ مناسب‌تری برای واکاوی در این پژوهش را فراهم خواهد ساخت.

مبادی طرح و نقش در منسوجات تاریخی

در طبقه‌بندی انواع منسوجات براساس اسلوب هنرهای سنتی، طرح یک ساختار را تعریف می‌کند و نقش جزئی از آن است. به‌واقع، طرح یک مفهوم کلی است و نقش به معنی یک جزء از آن مفهوم است. «طرح، استخوان‌بندی و نظام اساسی است که نقش‌ها بر بنیاد آن چیده می‌شود. درواقع، طرح، ضوابط نقش‌ها را تعیین می‌کند» (حصوری، ۱۳۸۵: ۷۹). به‌این‌ترتیب، طرح به معنای ترکیب بنیادی اجزای تزیینی است. انواع طرح به‌لحاظ صوری به چند گونه قابل‌تقسیم هستند: «در یکی از این انواع براساس روش اجرا به‌صورت متقارن، نامتقارن و ترکیبی طبقه‌بندی می‌شود. در شیوهٔ متقارن، نقش‌ها به‌صورت انتقالی، انعکاسی و دورانی تکرار می‌شود. در بعضی طرح‌ها نیز، نقش به‌صورت نامتقارن به اجرا درمی‌آید یا آنکه ممکن است شاکلهٔ طرح، ترکیبی از دو شیوهٔ فوق باشد» (تام‌سن، ۱۳۸۹: ۲). بر این اساس، افزون بر انواع پارچه‌های بدون طرح و نقش، انواع دیگر بر بنیاد روش اجرای طرح اصلی به قرینهٔ انعکاسی (محرابی[۱]، ترنج‌دار[۲])، قرینهٔ انتقالی (واگیره‌ای[۳]، انواع شبکه‌بندی قابی[۴]، محرمات[۵])، نامتقارن (روایی[۶]، کتیبه‌ای[۷]، افشان[۸]) و تلفیقی تقسیم می‌شود (مافی‌تبار، ۱۴۰۰: ۱۱۳). به موازات، نقش در بافته‌ها عنصری است که شاکله‌ای را در قالب طرح به وجود می‌آورد؛ یعنی طرح، ترکیب کلی عناصر تزیینی است که ساده‌ترین جزء معنی‌دار آن به نقش مشهور است. البته نقش، به‌تنهایی مفهوم دارد، پس می‌تواند با توجه به نوع جای‌گیری در قالب یک طرح معرفی شود؛ مانند طرح محرمات به‌تجقه‌ای که حاکی از فراگیری و غلبهٔ نقش به‌تجقه در قالب طرح محرمات است. با این کارکرد «نقش، عنصر غالب و متمایزکنندهٔ طرح در یک بافته است» (استون، ۱۳۹۱: ۳۴۷) که معمولاً طبقه‌بندی موضوعی دربارهٔ آن لحاظ می‌شود و طی آن «نقش‌ها به انواع انسانی، جانوری، گیاهی، هندسی، جمادی و تلفیقی تقسیم می‌شود» (تام‌سن، ۱۳۸۹: ۲). مسلم آنکه، در بخش عمدهٔ پارچه‌های قاجاری به‌دلیل تأسی به خصایص نقش‌اندازی به شیوهٔ سنتی، طبقه‌بندی فوق قابل‌احراز است و می‌توان براساس طرح، به جست‌وجوی انواع محرابی، ترنج‌دار، واگیره‌ای، انواع قابی، محرمات، روایی، کتیبه‌ای، افشان و تلفیقی و بر مبنای نقش، به بازیابی اقسام صور انسانی، جانوری، گیاهی، هندسی، جمادی و تلفیقی اقدام نمود. مسلم آنکه، تکمیل پارچه در طرح‌های محرابی، ترنج‌دار، روایی، کتیبه‌ای، افشان، به‌دلیل تکرارناپذیری نقش یا اتکاء آن به روش قرینهٔ انعکاسی صرفاً با عملیات تکمیلی همچون چاپ و رودوزی امکان‌پذیر است، اما تولید طرح‌های واگیره‌ای، قابی و محرمات، بیشتر مبتنی بر روش‌های حین بافت خواهد بود، پس با فرض یکسان بودن جنسیت پایه، در شیوه‌های مبتنی بر تکرار، ارزش افزودهٔ کمتری تولید و محصول نهایی با قیمت مناسب‌تر عرضه می‌شود.

مبلمان جداره‌ای نرم

در بررسی انواع منسوجات در مبلمان عصر قاجار، مبلمان جداره‌ای نرم بیش از سایر انواع مؤثر واقع می‌شود:

رختخواب‌پیچ: واژهٔ رختخواب به تمام وسایلی اطلاق می‌شود که برای خوابیدن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در عصر قاجار مهم‌ترین آن‌ها مبتنی بر تشک، متکا، بالش و لحاف بود. هنگام روز اشیاء مربوط به این عمل را در پارچه‌ای که به آن

«چادرشب» می‌گویند، می‌پیچیدند و در گوشهٔ اتاق مخصوصی جای می‌دادند (بروگش، ۱۳۷۴: ۱۴۷). به‌واقع رختخواب فقط از چند تشک و رانداز تهیه می‌شد که چندان ارزشی نداشت. بااین‌حال، پس از قالی و نمد، گران‌ترین قسمت اسباب خانه بود (درووِیل، ۱۳۶۷: ۱۰۰). از این حیث، ایرانی‌ها گنجه نداشتند و اثاثیهٔ آن‌ها همیشه نمایان بود (بن‌تان، ۱۳۵۴: ۵۹). پس در گوشه‌ای از اتاق، لحاف‌ها و تشک‌ها را در مفرش رنگارنگی می‌بستند و آن را به دیوار تکیه می‌دادند. آن‌ها برای خوابیدن اتاق مخصوصی نداشتند و شب‌ها تشک‌ها را در همان اتاق‌نشیمن پهن می‌کردند و روی آن می‌خوابیدند (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۴۷). گوشهٔ اتاق جای این رختخواب‌ها بود که از پارچهٔ رنگارنگ ابریشم و کتان تهیه می‌شد (بارنز، ۱۳۶۶: ۴۶). به‌واقع در میهمان‌خانهٔ خانه‌های ایرانی، نیمکت، میز یا صندلی وجود نداشت و در زوایای آن میهمان‌خانه فقط رختخواب‌هایی دیده می‌شد که آن را به‌نوعی پیچیده و با متکا به دیوار آن اتاق تکیه داده بودند. این رختخواب‌ها در تمام اوقات روز بدون استعمال به طریق مذکور پیچیده می‌شدند، اما در وقت شب در آن به خواب می‌رفتند (سیاح روس، ۱۳۶۳: ۵۴). این نوع بسته‌بندی پارچه‌ای، برای حمل کالای سفر نیز به کار می‌آمد (اورسل، ۱۳۸۲: ۱۵۷)، چون این امکان وجود داشت که بتوان خیلی چیزها را در آن جای داد و اگر هم مورد استفاده واقع نمی‌شد، آن را تا کرد و کنار گذاشت (کرزن، ۱۳۶۲: ۹۴). درمجموع، در این دوره، افرادی که با اروپاییان تماس بیشتری برقرار کرده بودند، گاه در اتاق میهمان‌خانهٔ خود میز و صندلی داشتند و گاه در اشتیاق داشتن تختخواب بودند، اما بیشتر این وسایل برای تزیین بود تا برای استفاده؛ چه یک منزل ایرانی زمانی مجهز و آراسته نگه داشته می‌شد که با قالی مفروش و دارای پرده و بسته‌های رختخواب زیاد باشد. تشک‌ها، بالش‌ها و مخده‌ها جای صندلی‌ها تعریف شده بودند. به‌طورکلی، اتاق‌های مجزا برای خوابیدن به نام اتاق‌خواب وجود نداشت. وسایل خواب، شامل تشک و متکا ــ که در چادرشب پیچیده می‌شد ــ و لحاف‌ها را آخرشب بیرون می‌آوردند و پهن می‌کردند و صبح جمع می‌کردند و در طاق یا قسمت فرورفتهٔ دیوار قرار می‌دادند (تصویر ۱). روزها بستهٔ خواب را کنار دیوار می‌گذاشتند. غنی و فقیر روی زمین می‌نشستند و هنگام نشستن بر آن‌ها تکیه می‌کردند (رایس، ۱۳۸۳: ۱۲۵).

مخده، متکا و بالش: استفاده از بالش و مخده به‌عنوان زیرسری در هنگام خواب و تکیه‌گاه به وقت نشستن، در سرتاسر عصر قاجار مرسوم بود، زیرا استفاده از صندلی هنگام نشستن در میان شرقی‌ها رواج نداشت، بلکه آن‌ها روی فرش‌های گسترده می‌نشستند و کسانی که قصد استراحت داشتند، به متکایی استوانه‌ای‌شکل تکیه می‌دادند (تصویر ۲) (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۱۸). با این مقیاس، جای نشیمن موردعلاقه در تابستان، کنار پنجره‌ای بود که رو به حیاط باز می‌شد و این اتاق، مملو از مخده‌ها و نازبالش‌هایی در اندازه‌های مختلف بود... در اندرونی در هر سو، نازبالش‌های زیبای دست‌دوزی‌شده‌ای با منگوله‌های گران‌قیمت به چشم می‌خورد (سرنا، ۱۳۶۲: ۷۳). این وضعیت تا پایان دورهٔ قاجار چنان حفظ شد که روزنامه‌نگار فرانسوی عصر محمدعلی‌شاه چنین می‌نویسد: «من نه میزی دارم و نه تختخوابی. پشت به بالش و مخده روی زانوهایم می‌نویسم و تمام سازوبرگ آسایش و خوابم تشک نازکی است که روزها آن را لوله می‌کنند و برمی‌چینند و شب‌ها پهن می‌کنند. وسایل من در جامه‌دان‌های بزرگ دربسته قرار دارد» (آنه، ۱۳۶۸: ۱۷). از این نگاه، به تکرار این شیوهٔ زیست ایرانیان قاجاری در سفرنامه‌های آن عهد قابل‌بازیابی است. چنانچه در ابعاد پادشاهی نقل می‌شود: پس از پایان مسابقه، به داخل چادر شاه رفتیم. فتحعلی‌شاه

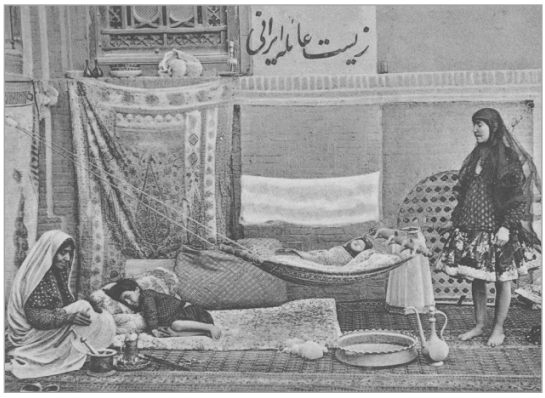

تصویر ۱. زیست خانوادهٔ ایرانی. مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران (URL 1)

تصویر ۲. برگی از هزارویک شب صنیع‌الملک. کتابخانهٔ نسخ خطی کاخ موزهٔ گلستان، تهران (URL 2)

روی تخت مزین به طلا و نقرهٔ میناکاری‌شده نشسته بود. تعداد بی‌شماری آینه و نازبالش‌های مرواریددوزی‌شدهٔ نفیس داخل چادر را زینت می‌داد (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۷). در سفرنامه‌های متعدد دیگر به بسامد قید می‌شود: شاه بر بالشی که سراسر آن مرواریدنشان و کناره‌هایش با انبوه منگوله و شرابه‌های مروارید آراسته بود، پشت می‌داد (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۰۱؛ دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۲۹۱؛ درووبل، ۱۳۶۷: ۱۶۲؛ موریه، ۱۳۸۶: ۲۳۰؛ فووریه، ۱۳۶۲: ۱۷۷؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۸۹). دربارهٔ زیست شاهزادگان و امرا نیز جلوس بر تشک و تکیه بر متکا و مخده به‌کرات مورد اشاره بوده است (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۶۵؛ سولتیکف، ۱۳۳۶: ۸۵؛ ویلز، ۱۳۸۸: ۲۶۹ و ۳۹۰؛ رایس، ۱۳۸۳: ۴۴)؛ چنان‌که گزارش کرده‌اند: اطاقی که ما را به آن هدایت کردند، با بالش‌های گران‌بهای ابریشمی آکنده از پر با رویه‌های لطیف ململ نو، حاضرین را از فرط حظ و لذت سرمست می‌کرد. من نیز برحسب معمول بر مخده‌ای تکیه زدم (فووریه، ۱۳۶۲: ۱۵۶؛ بیشوپ، ۱۳۷۵: ۸۷ و ۱۳۱).

تشک، لحاف و پتو: همان‌طور که اشاره شد، ایرانی‌های عصر قاجار برای اتاق خواب و غذاخوری جای خاصی در نظر نمی‌گرفتند و با تختخواب به معنی و مفهوم اروپایی آن مؤانست نداشتند، پس به‌جای آن از قالی و مخده استفاده می‌کردند و شب‌هنگام بالش و لحاف را به اتاق‌نشیمن می‌آوردند (بلوشر، ۱۳۶۳: ۸۳). بستر ایرانی مشتمل بر یک بالش، لحاف و یک تشک بود و استفاده از ملحفه و دیگر ملحقات مرسوم نبود (بن‌تان، ۱۳۵۴: ۵۹؛ رایس، ۱۳۸۳: ۱۴۳). همین ترکیب سه‌جزئی تا اوایل پهلوی به‌عنوان کالای خواب ضروری ایرانی‌ها شناخته می‌شد (تصویر ۳) (استارک، ۱۳۶۴: ۱۹۲) و شواهد آن از زندگی شاهانه تا مردم عادی شهری، روستایی، مسافرخانه‌ها و کاروانسراها قابل‌ملاحظه بود (تصویر ۴) (پاتینجر، ۱۳۴۸: ۱۵۸؛ سولتیکف، ۱۳۳۶: ۶۹؛ اورسل، ۱۳۸۲: ۱۷۸؛ آنه، ۱۳۶۸: ۲۱۴؛ رایس، ۱۳۸۳: ۴۷). حتی در چاپارخانه‌های ایران، اصلاً چیزی که شبیه به تختخواب باشد وجود نداشت و اگر پیش‌تر تدبیر دیگری توسط مسافر دیده نشده بود، او ناگزیر بود بر کف گلی اتاق بخوابد، پس بهتر بود مسافر برای خود لحاف تهیه کند که در بازار هر شهری موجود بود و افزون‌برآن، چند تکه فرش، پتو و بالش به‌همراه داشته باشد (کرزن، ۱۳۶۲: ۹۷). آن‌طور که دربارهٔ شخص اول مملکت، یعنی ناصرالدین‌شاه نوشته شده است: «خوشحالی دایهٔ پیر او در همراهی سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا بسیار بود، چون از بدو تولد ناصرالدین‌شاه همیشه رختخواب وی را انداخته بود و اکنون می‌ترسید اگر جای شاه را خود درست نکند، وضع استراحت او ناجور شود» (سرنا، ۱۳۶۲: ۷۷) یا در جایی دیگر ذکر می‌شود: «در طی سفر ۱۲۶۸ه.ش./ ۱۸۸۹م. مکرر از عده‌ای شنیدم که شاه جز در بستر خاص خود، در بستری استراحت نمی‌کرد. این بستر عبارت بود از یک تشک و چند بالش و لحاف که آن را در مفرشی می‌پیچیدند و همه‌جا با او همراه می‌بردند. چه در عمارت سلطنتی، چه در زیر چادر، شاه هیچ‌وقت تخت استعمال نمی‌کرد. رختخواب او را هر شب بدون تغییر روی قالی که گاهی یکی از نمدهای کار تهران را هم روی آن می‌انداختند، پهن می‌کردند» (فووریه، ۱۳۶۲: ۳۵۰). به‌عبارتی، با وجود سفرهای پادشاه قاجاری به غرب، او در شیوهٔ استراحت، رفتار سابق را دنبال می‌کرد؛ آن‌طور که نقل می‌شود: در اتاق خوابگاه شاه، دنبال تختخواب می‌گشتم. اثری از تختخواب نبود و به من گفتند که قبلهٔ عالم بر یک تشک معمولی که شب روی زمین پهن می‌کنند، می‌خوابد (آنه، ۱۳۷۰: ۱۷۵). با این حساب، به رختخواب رفتن و از خواب برخاستن برای یک ایرانی امری ساده بود و البته جای مشخصی نداشت، مگر وقتی پشه‌بند در ایوان یا پشت‌بام نصب می‌شد (رایس، ۱۳۸۳: ۴۸ و ۱۲۱).

تصویر ۳. برگی از هزارویک شب صنیع‌الملک. کتابخانهٔ نسخ خطی کاخ موزهٔ گلستان، تهران(URL: 2)

تصویر ۴. محل خواب کارگران قهوه‌خانه. آلبوم‌خانهٔ کاخ موزهٔ گلستان، تهران (همان)

افزون‌براین، هرچند لحاف و تشک به‌ترتیب به‌مثابهٔ رانداز و زیرانداز خواب کاربرد داشتند، همچون بالش و مخده برای سهولت در نشستن هنگام روز نیز به کار می‌آمدند. شاهان نیز از آن به‌عنوان یک ابزار آسایش بهره می‌بردند: «کمی آن‌طرف‌تر روی یک قالیچهٔ ابریشمی زربفت، تشکچه‌ای قرار داشت که ظاهراً شاه قبل از شرفیابی ما روی آن نشسته بود، زیرا چین‌وچروک آثار نشستن او روی تشکچه دیده می‌شد» (بروگش، ۱۳۶۷ب: ۵۸۰). به تبع این امر، در میان طبقات پایین‌تر نیز چنین نوع زیستی مرسوم بود: «سرتیپ پیر از من خواست که برای رهایی از گرمی هوا به چادر او پناه ببرم. هنگام ورود من به چادر، او روی رختخوابش که بر زمین گسترده بود، نشسته بود» (مک‌گرگور، ۱۳۶۸: ۱۶). این ابزار جهت پذیرایی از میهمان نیز به کار می‌آمد: «در خانهٔ فتح‌الله‌خان، سراسر یک اتاق را با نمدهای قهوه‌ای‌رنگ فرش کرده و یک تشک برای نشستن من روی نمد گسترانیده بودند» (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۱۰۷). تشکچه‌ها جهت سهولت نشمین هنگام سفر نیز مناسب بودند، چنان‌که پزشک انگلیسی اعزامی به ایران می‌نویسد: «برای همسرم، تخت روان تهیه کردم که به شکل اتاقک جعبه‌صندوق‌مانند دارای در و پنجرهٔ کوچکی بود. این نوع تخت روان‌ها دارای تشک ضخیم و تعداد کافی بالش نرم بوده و وسیلهٔ راحت برای جابه‌جایی خانم‌ها در جاده است» (ویلز، ۱۳۸۸: ۳۹۴)، اما دربارهٔ لحاف و پتو به‌عنوان رانداز استفاده از لحاف بیشتر در میان ایرانیان مرسوم بوده که ساختاری شبیه به تشک، اما ظریف‌تر از آن داشته تا مناسب رانداز باشد (شهری، ۱۳۷۸: ۵۶). البته نمد و پتو در کرمان، یزد، کردستان و جاهای دیگر فراوان بافته می‌شد که مادهٔ اولیهٔ آن پشم گوسفند یا شتر و رنگ آن‌ها سیاه یا خرمایی بود، اما شاید به‌سبب گرانی، بازار چندانی نداشت (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۳۵). نمونه‌های مرغوب هم از کشمیر وارد می‌شد (سایکس، ۱۳۹۸: ۲۳۵)، اما به‌هرروی به‌کارگیری لحاف و تشک نسبت‌به آنچه امروز تحت عنوان پتو موردشناسایی است، برتری قابل‌توجهی داشته است.

طرح و نقش منسوجات کاربردی در مبلمان جداره‌ای

نرم: در رختخواب‌پیچ، انواع پارچه، به‌ویژه چادرشب با طرح راه‌راه (محرمات) و چهارخانه (قابی) استفاده می‌شد. نقش‌پردازی نیز درصورت وجود، مبتنی بر انواع گیاهی بود. برای دوخت و تهیهٔ رویهٔ بالش و مخده، تشک، لحاف، افزون بر نمونه‌های بدون طرح و نقش در تهیهٔ لحاف و تشک، انواع افشان، واگیره‌ای، قابی و محرمات با نقش گیاهی کاربرد داشت که در این بین، نمونه‌های متعددی از واگیره‌ای به‌جا مانده است که بر رواج آن در بین قشر متوسط جامعه گواهی می‌دهد، چراکه در تهیه و آرایه‌بندی این نوع منسوجات از روشمندی‌های حین بافت بهره‌گیری می‌شد که درنتیجه، قیمت کمتر محصول را به‌دنبال داشت. درمقابل، عملیات تکمیلی، از هر نوعی که بود (در ساده‌ترین صورت: چاپ قلمکار) بر قیمت نهایی پارچه می‌افزود. روشمندی‌های گران‌قیمت‌تری نیز موجود بود، ازجمله آنکه بزرگان و رجال نسبت‌به تزیین تکیه‌گاه (مخده) با رودوزی به‌وسیلهٔ سنگ‌های قیمتی اقدام می‌کردند که به‌یقین در بین عامهٔ مردم معمول نبود (جدول ۱).

مبلمان جداره‌ای سخت

کرسی و رانداز آن: یکی از ابزارهای قدیمی برای گرم کردن خانه‌های ایرانی، کرسی بود. چنانچه به نقل از دلاواله[۹]، جهانگرد عصر صفوی، نقل شده است: تنور حفره‌ای است که عمقش دو وجب یا کمی بیشتر است و در کف اتاق تعبیه می‌شود (که البته در این مقیاس جزو مبلمان ثابت قرار می‌گیرد و مورد بحث این پژوهش نخواهد بود)، اما روی این حفره، یک چهارپایه شبیه به میزهای پایه‌کوتاه قرار می‌دهند، سپس روی آن یک لحاف بزرگ می‌کشند که از هر چهار طرف به زمین می‌رسد. این لحاف موجب می‌شود حرارت زیر آن محفوظ بماند. کسانی که در این اتاق‌ها می‌نشینند، به دیوارهایی که کنارشان پشتی گذاشته‌اند، تکیه می‌دهند (گروته، ۱۳۶۴: ۱۷۴). این شیوهٔ زیستی چنان ادامه پیدا می‌کند که در اواسط عصر قاجار، پزشک امریکایی عهد ناصری می‌نویسد: «تعداد آن‌هایی که از تختخواب استفاده می‌کنند، منحصر به کسانی می‌شود که در اروپا بوده‌اند یا به نحوی با اروپاییان ارتباط داشته‌اند. بخاری هم به‌ندرت دیده می‌شود و بیشتر کرسی دارند. کرسی عبارت از میز پایه‌کوتاهی است که آتش زغال را در آن قرار می‌دهند و رویش لحاف بزرگی پهن می‌کنند و اکثر قریب‌به‌اتفاق برای گرم شدن از این وسیله استفاده می‌کنند. وقتی هوا رو به گرمی می‌گذارد، اهل خانه رختخواب‌ها را به پشت‌بام گلی منتقل می‌کنند و جملگی در آنجا می‌خوابند» (ویشارد، ۱۳۹۹: ۱۶۴). به‌واقع، کرسی چهارپایهٔ بزرگی بود که لحاف به اندازهٔ پوشش از ابعاد حدود ۴×۴ متر تا ۷×۷ متر روی آن می‌انداختند، با انواع منسوجات آن را مزین می‌کردند و اطرافش را پشتی یا رختخواب می‌نهادند و به زیرش می‌رفتند. معمولاً در هر خانه یک کرسی دم‌دستی برای اهل خانه و یکی برای میهمان در اتاق پذیرایی قرار داشت که در مواقع بیداری پاها را زیرش دراز می‌کردند، به پشتی تکیه می‌دادند و هنگام خواب، متکا می‌گذاشتند و می‌خوابیدند (تصویر ۵). تشک پای کرسی معمولاً کوتاه‌تر، اما پهن‌تر از تشک خواب دوخته می‌شد،

آن‌هم در حدی که فقط اندازهٔ پایه و پهنای کرسی بشود، چه در غیر این‌صورت لبه‌هایش روی هم می‌افتاد و در موقع خواب ناهموار می‌آمد (رایس، ۱۳۸۳: ۱۲۵؛ شهری، ۱۳۸۳: ۴۶۷). به‌این‌ترتیب، ضمن حبس کردن آتش در چاله‌ای به نام «چالهٔ کرسی» یک چهارپایهٔ بزرگ به نام «کرسی» بر بالای آتش می‌گذاشتند و روی آن را با لحاف بزرگی به نام «لحاف کرسی» می‌پوشاندند. پس از پهن کردن لحاف کرسی روی آن، در چهار ضلع کرسی تشک‌هایی می‌گستراندند و ضمن نشستن روی این تشک‌ها، به‌راحتی بر پشتی یا رختخواب‌پیچ‌های پر از لحاف و تشک تکیه می‌زدند (ویلز، ۱۳۸۸: ۱۶۸). حتی در دکان‌ها اگر فضا گنجایش داشت، منقل را زیر میز کوتاه و چهارگوش قرار می‌دادند و رویش لحاف می‌کشیدند (سرنا، ۱۳۶۲: ۶۹). این شیوهٔ گرمایش ایرانی چنان جالب می‌نمود که سیاح انگلیسی در اواخر حکومت احمدشاه می‌نویسد: «میل داشتم نمونه‌ای از کرسی با لحاف، تشک و بالش‌های آستردار و زنانی که دور آن می‌نشینند، تهیه کنم و به کشورم بیاورم. نجاری میز کوچکی ساخت که آن را به زنان نشان دادم، مقدار زیادی تکه‌پارچه‌هایی که به هم جور درمی‌آمد، در اختیار آن‌ها گذاشتم و گفتم هرچیز

تصویر ۵. زنان قاجاری در گرداگرد کرسی. موزهٔ بروکلین، نیویورک (URL: 6)

جدول ۱. برخی از انواع طرح و نقش رایج در مبلمان جداره‌ای نرم در عصر قاجار

طرح قاب‌قابی (قابی) و بدون نقش به شیوهٔ چادرشب‌بافی. کاربرد رختخواب‌پیچ. موزهٔ وزیری، یزد (URL: 3)	طرح محرمات با نقش گیاهی به شیوهٔ چادرشب‌بافی. کاربرد رختخواب‌پیچ. مجموعهٔ خصوصی (URL: 4)	طرح واگیره‌ای با نقش گیاهی؛ نظیر انواع کاربردی در روکش بالش، تشک و لحاف. مجموعهٔ خصوصی (URL: 4)
طرح واگیره‌ای با نقش گیاهی؛ نظیر انواع کاربردی در روکش بالش، تشک و لحاف. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن(URL: 5)	طرح قاب‌قابی (قابی) با نقش گیاهی؛ نظیر انواع کاربردی در روکش بالش، تشک و لحاف. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (URL: 5)	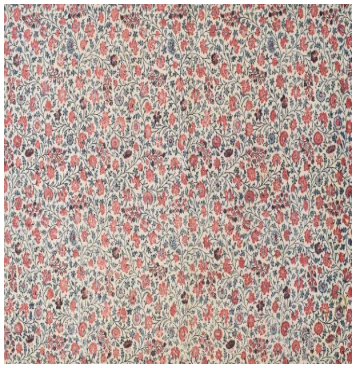 طرح افشان با نقش گیاهی؛ نظیر انواع کاربردی در روکش بالش، تشک و لحاف. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (URL: 5)

دیگری که برای درست کردن عروسک‌ها و رختخواب‌ها لازم دارند، بردارند. نتیجهٔ کار بی‌اندازه مطابق با اصل بود» (رایس، ۱۳۸۳: ۱۶۲). به‌این‌ترتیب، از منظری که متناظر با این پژوهش است، منسوجات در تهیهٔ لحاف کرسی یا رواندازِ آن استفاده داشت و این ترکیب را کامل می‌نمود.

میز و صندلی: در ایران عصر قاجار، بالانشینی مخصوص سلاطین بود، اگرچه آن‌ها نیز در خلوت خاص خود روی زمین می‌نشستند که به‌جز آن خستگی‌شان درنرفته، خودمانی نمی‌شدند و بعد از آن وزرا و صدرا، آن‌هم در محل کار و پس از آن خطبا و روضه‌خوان‌ها باید جایشان از دیگران بلندتر بود و در خانه‌ها اکثراً در اثر فقدان صندلی برای ایشان، جا روی چهارپایه یا صندوق درست می‌شد و عالی و دانی روی زمین می‌نشستند. حتی پذیرایی‌شان که مفروش به فرش بود، وقتی می‌خواستند تشریفاتی کنند، دورتادورشان تشکچه، پشتی و مخده می‌گذاشتند (شهری، ۱۳۷۸: ۳۹). به گزارش نویسندهٔ آلمانی عصر فتحعلی‌شاه، اغنیا کف اتاق خود را سنگ‌فرش می‌کردند و قالی روی آن می‌گستراندند، اما فقرا روفرشی بیش نداشتند. در هیچ خانه‌ای آینه، میز و صندلی و آنچه بدان اطلاق لفظ مبل می‌شود، وجود نداشت (دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۱۱۰). خانه‌های ایرانی میز و صندلی نداشت و ساکنین در اینجاوآنجای اتاق پذیرایی با لاقیدی لم می‌دادند (مک‌گرگور، ۱۳۶۶: ۱۶۴). درواقع، در ایران اصلاً نیازی به استفاده از صندلی در منزل احساس نمی‌شد، چون سراسر اتاق‌ها گسترده از قالی بود و حتی سفرهٔ غذا هم روی قالی پهن می‌شد (فوربزلیث، ۱۳۶۶: ۱۴۴). آن‌طور که پزشک انگلیسی عهد ناصری می‌نویسد: «در منزل سرگرد در تهران، در اولین وهله، مشاهدهٔ کمبود مبل و صندلی در اتاق‌های مجلل برای ما خارجی‌ها تکان‌دهنده بود، ولی به‌تدریج پس از عادت کردن به نشستن روی فرش‌های ضخیم خوش‌نقش و تکیه دادن بر پشتی و کوسن‌های نرم و زیبای آن، احساس آرامش بیشتری پیدا شد و از این نوع زندگی، استراحت زیادتری نصیب گردید» (ویلز، ۱۳۸۸: ۴۳). بنابراین، در بازهٔ طولانی از تاریخ این حکومت، تقاضایی برای مبلمان وجود نداشت، ناگزیر عرضه نیز نمی‌توانست وجود داشته باشد؛ لذا سازندگانی برای آن وجود نداشت، مگر در بارگاه سلاطین و معدودی از رجال طبقهٔ اول و اروپاییانی که در ایران اقامت یا سفارتخانه داشتند (شهری، ۱۳۷۸: ۴۰). چنانچه از عصر فتحعلی‌شاهی تا ناصری به‌صراحت دربارهٔ استفادهٔ موردی از مبلمان نوشته‌اند: برای سفیر، صندلی‌های مخمل قرمز تهیه کرده بودند. اعلیحضرت به سفیر فرمودند که مقابل تخت فتحعلی‌شاه روی صندلی بنشیند. این افتخاری است که تابه‌حال هیچ‌یک از اروپاییان بدان نائل نگشته‌اند (دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۲۵۹) یا آنکه ناصرالدین‌شاه به‌طور غیررسمی مرا به حضور پذیرفت و رخصت داده شد که بر صندلی بنشینم (ماساهارو، ۱۳۹۰: ۱۹۸). به‌این‌ترتیب، مبلمان، میز، صندلی و تختخواب، مخصوص پادشاهان، شاهزادگان، امرا، بزرگان و میهمانان ایشان بود (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۴۶؛ فریزر، ۱۳۶۴: ۱۹۹؛ سولتیکف، ۱۳۳۶: ۸۷؛ بایندر، ۱۳۹۹: ۴۷؛ بروگش، ۱۳۶۷الف: ۵۵۱؛ ویلز، ۱۳۸۸، ۶۶؛ اسپروی، ۱۳۷۹، ۲۸). به‌عنوان نمونه آمده است: جلوی درِ خانهٔ حاجی محمدحسین‌خان، دومین وزیر شاه، از اسبان خود فرود آمدیم. میزبان برای پذیرایی ما، میز و صندلی‌هایی آورده بود (موریه، ۱۳۸۶: ۲۲۳). حتی بانوی سیاحتگر انگلیسی در سفر به ایلات غرب ایران می‌نویسد: «در ملاقات با خانوادهٔ اسفندیارخان ایل‌بیگی، در اندرون مرا به اتاق تمیزی مفروش به قالی‌های گران‌بها هدایت کردند که چند مخده با روپوش مخمل نیز در کنار دیوار چیده شده بود. در قسمت بالای اتاق، یک میز و یک صندلی برایم تدارک دیده بودند» (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۸۷) و دیگر شواهدی که به‌کرات در اسناد این عصر قابل‌بازیابی است، مبتنی بر اینکه ایرانیان مانند عثمانیان روی زمین می‌نشینند؛ یعنی به نشستن روی صندلی وابستگی ندارند و این تشریفات را خاص میهمانان اروپایی تهیه می‌کنند (ویلز، ۱۳۶۳: ۱۵۲-۱۵۱؛ ویلز، ۱۳۸۸: ۵۸؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۲۹۹؛ مک‌گرگور، ۱۳۶۸: ۱۷۱؛ بیشوپ، ۱۳۷۵: ۳۲، ۸۶ و ۹۹). این شیوه در دکان‌داری نیز مرسوم بود: «دکان سلمانی به قالیچهٔ مرغوبی که مشهدی‌حسن آن را جهت مشتریان محترم و متمول خود حاضر ساخته بود، مفروش بود. او یک صندلی برای من در گوشهٔ دکان گذارد، چون به‌جز نشستن بر صندلی بر چیز دیگری عادت ننموده بودم» (ویلز، ۱۳۶۳: ۲۰۴).

البته به‌تدریج میل به استفاده از مبلمان رو به رشد گذاشت، به‌طوری‌که در اواخر دورهٔ قاجار استفاده از صندلی و مبل در خانهٔ اعیان رایج شد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۳)، زیرا در منش ملی ایرانیان، مهم‌ترین تفاوتی که با ترکان وجود داشت، این بود که به‌آسانی آیین‌ها و خوی بیگانگان را پذیرا می‌شدند. آن‌ها خودشان را با عرف و عادت‌های اروپاییان سازگار می‌کردند که هرگز یک ترک به آن تن درنمی‌داد؛ مانند بر سر میز نشستن (موریه، ۱۳۸۶: ۳۹۱). به‌این‌ترتیب، در ابتدا در خانهٔ ایرانیان اصیل، اثاثیهٔ اروپایی نظیر میز، صندلی، تختخواب و... یافت نمی‌شد، اما به‌تدریج نزد طبقات بالای جامعه، استفاده از این‌گونه اسباب متداول گشت، به‌طوری‌که از اواسط عهد ناصری به بعد، ایرانیان ثروتمند، به‌خصوص آن‌ها که مدتی در اروپا بوده‌اند، ترجیح می‌دهند خانه‌هایشان

را به سبک اروپایی بسازند و داخل آن را هم با اسباب و اثاثیهٔ اروپایی تزیین کنند (بروگش، ۱۳۷۴: ۵۶ و ۱۰۰). مبلمان و اثاثیهٔ این خانه‌ها بیشتر به سبک انگلیسی بود (بروگش، ۱۳۶۷ب: ۴۷۹)؛ حتی اگر از آن‌ها استفاده نمی‌شد و جنبهٔ نمایشی داشت (تصاویر ۶، ۷، ۸)، چراکه ایرانیان مستفرنگ هم در خانه عادت خود را داشتند؛ یعنی در حضور یک فرنگی روی صندلی، اما در اندرون روی زمین چهارزانو می‌نشستند (سرنا، ۱۳۶۲: ۱۱۱). درمجموع، چنین کاستی‌هایی، سفرای خارجی (غربی)[۱۰] را در سفر به ایران دچار مشکل می‌کرد (موزر، ۱۳۵۶: ۱۸۸؛ بایندر، ۱۳۹۹: ۵۴)؛ آن‌طور که ایشان این‌گونه ضروریات زندگی را با خود به ایران می‌آوردند و معتقد بودند که زندگی در ایران سخت می‌گذرد. آن‌ها لباس و وسایل موردنیاز روزانه را با دشواری از کشور خودشان می‌آوردند. دیگر چیزهای موردنیازشان هم مانند میز، صندلی، پرده و اسباب خانه از اروپا می‌آمد (ویلز، ۱۳۸۸: ۱۲۱ و ۱۴۸؛ ماساهارو، ۱۳۹۰: ۴۹ و ۱۷۷؛ اسپروی، ۱۳۷۹: ۴۷). دربارهٔ این طیف از دشواری‌ها نوشته‌اند: «چقدر به نظر مردم عجیب است که اگر مردی بخواهد از لندن به لیورپول برود تا یک ماه بماند، رختخوابش را قبل از خود بفرستد یا یک دست رختخواب بخرد. چیزهایی از این دست است که موجب می‌شود ایران اصلاً کشور ارزانی برای زندگی نباشد. با هزینه کردن مبلغ یکسانی، انسان در قیاس با انگلستان نمی‌تواند آسایش چندانی به دست آورد» (برجیس، ۱۳۸۹: ۱۱۸). البته به‌مرور پاسخ به این نیاز مورد توجه صنعتگران داخلی قرار گرفت و افزون بر واردات این اقلام، تولید داخلی آن‌ها رشد کرد: «یکی از کارهایی که کارگران ایرانی خیلی دوست دارند، این است که از روی نمونهٔ کارهای اروپایی مصنوعاتی تهیه نمایند و من صندلی‌ها، میزها، پنجره‌ها و... را مشاهده کردم که عیناً نظیر نمونه‌های اروپایی از طرف کارگران ایرانی ساخته شده بود» (دوگوبینو، ۱۳۸۵: ۳۷). نجار ایرانی از روی هر تصویر، هر وسیله را می‌سازد که در شباهت با نوع انگلیسی بسیار حیرت‌انگیز است (رایس، ۱۳۸۳: ۲۰۸)، اما دربارهٔ به کار بردن منسوجات در این انواع به‌عنوان روکش صندلی و رومیزی، ضمن تأثیر پذیرفتن از مبدأ، یعنی هنر اروپایی، هنرمند ـ صنعتگر ایرانی، میراث داخلی را دخیل می‌کند، چنان‌که دراین‌باره نوشته‌اند: رومیزی‌ها با مروارید و فیروزه تزیین گردیده است (درویل، ۱۳۶۷: ۱۶۲) یا آنکه نیمکت‌ها و کرسی‌ها را با مخمل کاشان رودوزی نموده و کوسن‌های روی نیمکت‌ها را همچون تشک خواب خوانین با گل محمدی پر کرده بودند (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۱۲۸).

طرح و نقش منسوجات کاربردی در مبلمان جداره‌ای سخت: در تهیهٔ رواندازِ کرسی نیز در بسیاری از مواقع از لحاف استفاده می‌شد، اما مسلماً به‌دلیل محیط چهارگوش کرسی، درصورت تهیهٔ رواندازِ خاص، منسوجات ترنج‌دار نسبت‌به افشان، واگیره‌ای، محرمات یا حتی انواع بدون طرح و نقش مورداستفاده در لحاف برتری داشت. به‌سبب نوع کاربری این محصول (رواندازِ کرسی) جهت حفظ گرمای محیط، نمونه‌های مناسب با این هدف، چون رواندازهای پشمی پته‌دوزی‌شده و رشتی‌دوزی‌شده از محبوبیت بیشتری برخوردار بود و منسوجات کتانی قلمکار در مراتب بعدی قرار می‌گرفت که گاه به‌تمامی محیط کرسی را پوشش می‌داد و گاه صرفاً در میانهٔ صفحهٔ مسطح آن قرار می‌گرفت و زینت‌بخش محیط می‌شد. در

تصویر ۶. شاهزادهٔ قاجاری با صندلی. آلبوم‌خانهٔ کاخ موزهٔ گلستان، تهران (URL: 2)

تصویر ۷. مرد قاجاری کنار میز و صندلی. آلبوم‌خانهٔ کاخ موزهٔ گلستان، تهران (همان)

تصویر ۸. مرد قاجاری بر صندلی و پشت میز. آلبوم‌خانهٔ کاخ موزهٔ گلستان، تهران (همان)

تهیهٔ رومیزی‌های این دوره، همچون رونداز کرسی، هرچند پارچه‌های ساده و منقوش با طرح‌های واگیره‌ای، محرمات و افشان استفاده داشت، بیش از همه منسوجات ترنج‌دار با نقوش گیاهی در قالب انواع تکنیک‌های بافت و تزیین پارچه همچون چاپ و رودوزی به کار می‌آمد و اگر هنر چشمه‌دوزی در آن دخیل بود، نقش هندسی را نیز شامل می‌شد. در تهیهٔ روکش‌های صندلی نیز در عین کاربرد دیگر طرح‌ها، انواع واگیره‌ای با نقش گیاهی پیشتاز میدان رقابت بود. نکته آنکه، در منسوجات کاربردی در این محصولات، خاصه صندلی، بیشتر از سایر ملزومات زندگی، تأثیر بن‌مایه‌های هنر اروپایی به چشم می‌خورد. به‌واقع، منشأ پیدایی میز و صندلی بر شباهت و اثرپذیری بیشتر آن‌ها از نمونه‌های اصیل غربی مهر تأیید می‌گذاشت (جدول ۲).

مبلمان کف

روفرشی: دربارهٔ روفرشی نیز به‌عنوان نوعی زیرانداز، اشاراتی در اسناد قاجاری قابل‌بازیابی است؛ ازجمله آنکه «روز بیستم به بازدید نسقچی‌باشی رفتم. بوریایی پاکیزه در پیرامون قالی‌ها گسترده بود و رختخواب و بالش‌ها را بسته‌بندی کرده و در گوشه‌ای نهاده و بر قالی که خود می‌نشست، ملحفه‌ای از چیت ــ به رنگ آبی روشن ــ کشیده بود» (موریه، ۱۳۸۶: ۶۵). در آن دوره روی فرش‌ها، رونداز جهت تمیز ماندن فرش و حفظ از آفتاب گسترده می‌شد که معمولاً از کتان راه‌راه سیاه‌وسفید بود. این پارچه همواره روی فرش‌ها بود، مگر اوقاتی که میهمانی می‌رسید، جهت احترام او روفرشی برچیده می‌شد و به کنار می‌افتاد (شهری، ۱۳۸۳: ۳۰۳)؛ چنان‌که حتی در اواخر عصر قاجار، یعنی دوران امارت احمدشاه نوشته‌اند: در فرش کردن اتاق نیز به‌منظور حفاظت، پارچهٔ کتانی روی فرش می‌اندازند (رایس، ۱۳۸۳: ۱۲۴)؛ نوعی روش نگهداری از قالی که تا امروز نیز در میان بسیاری از ایرانیان به‌جا مانده است. در جزئیات بیشتر آنکه هرچند در آن دوران، فقرا چیزی بیشتر از روفرشی نداشتند، در خانه‌های عمال و تجار در زمستان، روفرشی پتوی کرک و در تابستان، پارچهٔ کتان روی فرش پهن می‌کردند (تصویر ۹) (کلانتر ضرابی، ۱۳۴۱: ۲۵۱). زیلو نیز به‌عنوان یک دست‌بافتهٔ دستگاهی با طرح راه‌راه (محرمات) و با ترکیب رنگی آبی و سفید در این مصداق کاربرد گسترده‌ای داشت (تصاویر ۲ و ۳). افزون‌براین، منسوجات ترنج‌دار با انواع نقوش گیاهی، جانوری و حتی انسانی نیز به تبعیت از اصل طراحی سنتی قالی و با تکنیک‌هایی نظیر رودوزی و چاپ قابل‌استفاده می‌نمود.

سفره: از دورهٔ قاجار شرح مکرری بر صرف غذا بر سفره به‌جا مانده است: زیردستان پادشاه (شاهزادگان، صاحب‌منصبان، امرا و وزرا) نیز در خرج، اصرار و اسراف دارند. مقصود کلی، زن، اسب، سلاح و لباس است... غذای بسیار و بعضی‌اوقات ملوکانه بر سفره می‌گذارند و اشخاص مختلف از هر قبیل بر آن می‌نشینند (تصویر ۱۰) (مالکم، ۱۳۶۲: ۲۹۰؛ دروویل، ۱۳۶۷: ۲۰۰؛ براون، ۱۳۷۵: ۱۱۳؛ جونز بریجز، ۱۳۸۶: ۲۵۴؛ ماساهارو، ۱۳۹۰: ۲۳۶). در این منش، معمولاً ایرانیان کفش خود را دم در درمی‌آورند، وارد اتاق می‌شوند و چهارزانو روی زمین می‌نشینند و برای صرف غذا سفره می‌اندازند (دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۱۱۰). یعنی موقع صرف غذا یک سفره به‌جای رومیزی روی فرش پهن می‌کنند و انواع خوراک به‌وسیلهٔ چند پیشخدمت روی سفره چیده می‌شود (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۸۶). به‌واقع، ایرانیان برخلاف اروپاییان، برای صرف غذا به میز بلند نیاز ندارند. آنان سفرهٔ بزرگی روی زمین می‌گسترانند و غذا را روی آن می‌چینند. غذا را مثل اروپاییان به‌ترتیب سرو نمی‌کنند، بلکه همهٔ آن‌ها را با هم در سینی بزرگ و گرد فلزی یا چوبی می‌نهند و روی سفرهٔ کتانی می‌گذارند

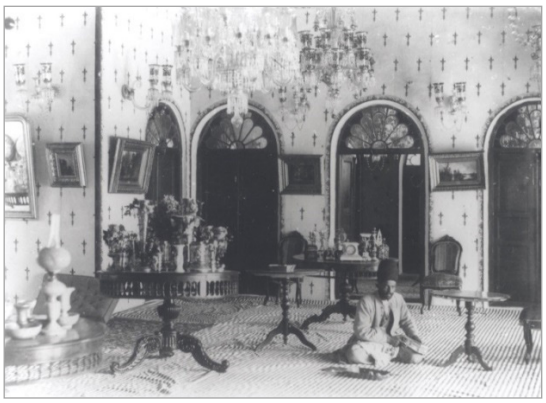

تصویر ۹. زیرانداز محرمات در کاخ قاجار. آلبوم‌خانهٔ کاخ موزهٔ گلستان، تهران (URL: 2)

تصویر ۱۰. برگی از هزارویک شب صنیع‌الملک. کتابخانهٔ نسخ خطی کاخ موزهٔ گلستان، تهران (همان)

جدول ۲. برخی از انواع طرح و نقش رایج در مبلمان جداره‌ای سخت در عصر قاجار

طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوهٔ رودوزی (پته‌دوزی)؛ نظیر انواع کاربردی در روانداز کرسی و رومیزی. مجموعهٔ خصوصی(URL: 4)	طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوهٔ رودوزی (رشتی‌دوزی)؛ نظیر انواع کاربردی در روانداز کرسی و رومیزی. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (URL: 5)	طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوهٔ چاپ قلمکار؛ نظیر انواع کاربردی در روانداز کرسی و رومیزی. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (URL: 5)
طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوهٔ رودوزی؛ نظیر انواع کاربردی در رومیزی. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن(URL: 5)	طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوهٔ رودوزی (چشمه‌دوزی)؛ نظیر انواع کاربردی در رومیزی. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (URL: 5)	طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوهٔ چاپ قلمکار؛ نظیر انواع کاربردی در رومیزی. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (URL: 5)
طرح واگیره‌ای با نقش گیاهی؛ نظیر انواع کاربردی در رومیزی. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (URL: 5)	طرح محرمات با نقش گیاهی؛ نظیر انواع کاربردی در رومیزی. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن(URL: 5)	طرح واگیره‌ای با نقش گیاهی (متأثر هنر غرب)؛ نظیر انواع کاربردی در روکش صندلی. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن(URL: 5)

(بروگش، ۱۳۷۴: ۱۴۷؛ رایس، ۱۳۸۳: ۱۲۵). به‌این‌ترتیب، ایرانی‌ها تا وقتی‌که تمام غذا روی سفره قرار نگیرد، شروع به صرف غذا نمی‌کنند. همچنین، قرار دادن غذا و شربت روی سفره فن مخصوصی دارد که از هرکس ساخته نیست که آن را «چیدن سفره» می‌خوانند. در گذشته، بعضی از رجال ایران چون می‌توانسته‌اند سفره را خوب بچینند، به مقامی عالی رسیده‌اند. اساس فن سفره چیدن این است که هریک از میهمانان به هر نوع غذایی که در سفره هست، دسترسی داشته باشند... وقتی‌که سفره چیده شد، میزبان میهمانان را به خوردن دعوت می‌کند و اگر سفره در همان اتاق چیده شده باشد، هرکس از جایی که نشسته، قدری به سفره نزدیک می‌شود. اگر سفره را در اتاقی دیگر چیده باشند، میزبان، میهمانی را که از حیث مقام بزرگ‌تر از دیگران است، در بالای سفره می‌نشاند. بالای سفره همواره آن قسمت از اتاق است که در نقطهٔ مقابل درِ ورودی قرار دارد (براون، ۱۳۷۵: ۱۸۷).

دربارهٔ جنسیت سفره که معمولاً از پارچهٔ قلمکار بود، نوشته‌اند: قلمکار اصفهان از حیث قشنگی شهرتی دارد، به‌ویژه وقتی‌که به سبک عربی با طلا تزیین یافته باشد که در این‌صورت بیشتر برای پرده و سفرهٔ غذاخوری به کار می‌رود (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۳۲۱). چنانچه به نقل بیشتر سیاحان، موقع صرف غذا سفرهٔ قلمکار پهن می‌کردند (درووِیل، ۱۳۶۷: ۸۹)؛ یعنی سفرهٔ چیت (سفره‌های گل‌دار با زمینهٔ سفید) می‌انداختند و غذا را می‌آوردند و مدعوین در اطراف سفره روی زمین می‌نشستند (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۲۲۳؛ هالینگبری، ۱۳۶۳: ۵۳؛ دوکوتزبوئه، ۱۳۶۵: ۱۱۸). سفره‌ای از پارچهٔ چیت نازک چنان پهن می‌شد که میهمان ناخودآگاه پاهای خود را جمع می‌کرد. گاه این سفره بسیار فرسوده بود و خرده‌های خوراک‌های پیشین چنان بر آن مانده و کپک زده بود که بویی ناخوش از آن برمی‌خاست، اما ایرانیان از آن خرسند بودند، زیرا آلیش کردن سفره را بدبختی‌آور می‌دانستند (موریه، ۱۳۸۶: ۱۱۶). وقتی میهمانان دور سفره گرد می‌آمدند، هر میهمان نان جلوی خود را در سفره ریز می‌کرد (بارنز، ۱۳۶۶: ۴۷). بنابراین، در خانه‌های ایرانی اتاق مخصوص غذاخوری وجود نداشت، پس به وقت صرف غذا، خدمه سفره‌ای چرمین را روی فرش می‌گستردند و روی آن سفرهٔ کتان گل‌داری پهن می‌کردند. این سفره هرگز شسته نمی‌شد و چربی و مایع از آن گذر نداشت، آنگاه هرچیز را در جای خودش می‌گذاشت (پولاک، ۱۳۶۸: ۹۵؛ اسپروی، ۱۳۷۹: ۵۴؛ آنه، ۱۳۶۸: ۱۸). البته سفره کارکردهای فرعی دیگری نیز داشت؛ چنان‌که نوشته‌اند: یکی از سرگرمی‌های فتحعلی‌شاه این بود که سفره‌ای پهن می‌کرد و روی آن مقداری نخ ابریشم خردکرده می‌ریخت و به زن‌های خود امر می‌نمود با پاهای برهنه روی آن حرکت کنند و در نرمی و زبری پا مسابقه دهند و به آن‌ها که خرده‌ابریشم به پاهایشان نمی‌چسبید، جایزه می‌داد (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۱۲۹).

طرح و نقش منسوجات کاربردی در مبلمان کف: درمجموع، میان انواع منسوجات کاربردی به‌عنوان روفرشی، جنسیت کتانی و البته طرح محرمات مورد استقبال بود و چنان به‌صورت گسترده استفاده می‌شد که نمونه‌های متعددی از بازنمایی آن در تصاویر عصر قاجار به‌جا مانده است. ظاهراً در مقیاس کمتر، نمونه‌های ترنج‌دار نیز به شیوهٔ چاپ و رودوزی با صور گیاهی، جانوری و انسانی نیز تولید می‌شد. درمقابل، هرچند سفره‌ها معمولاً به شیوهٔ چاپ قلمکار و با طرح واگیره‌ای یا افشان بود، بیشتر از همه ترنج‌دار منقش به صور گیاهی مطلوب می‌نمود. بااینکه بیشتر سفره‌ها قلمکار بودند، جنسیت‌های دیگر نیز کاربرد داشتند که در طرح و نقش تزیینی از همان کلیت سفره‌های قلمکار پیروی می‌نمودند (جدول ۳).

جدول۳. برخی از انواع طرح و نقش رایج در مبلمان کف (سفره) در عصر قاجار

طرح واگیره‌ای با نقش گیاهی؛ نظیر انواع کاربردی در سفره. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (URL: 5)	طرح افشان با نقش گیاهی به شیوهٔ چاپ قلمکار؛ نظیر انواع کاربردی در سفره. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (همان)	طرح ترنج‌دار با نقش گیاهی به شیوهٔ چاپ قلمکار؛ نظیر انواع کاربردی در سفره. موزهٔ ویکتوریا و آلبرت، لندن (همان)

با نظر به تحلیل و طبقه‌بندی انجام‌شده دربارهٔ طرح و نقش پارچه‌های مورداستفاده در اقسام مبلمان متحرک عصر قاجار، اعم از مبلمان جداره‌ای سخت و نرم، نظیر رختخواب‌پیچ، مخده، متکا، بالش، تشک، لحاف، پتو، رواندار کرسی، رومیزی، روکش صندلی، روفرشی و سفره، می‌توان نتیجه را در قالب جدول و به‌صورت ذیل (جدول ۴) تبیین داشت:

جدول ۴. طرح و نقش منسوجات کاربردی در مبلمان قاجاری

انواع مبلمان				طرح منسوجات	نقش منسوجات	طرح و نقش غالب	کاربرد
مبلمان متحرک	جداره‌ای	نرم	رختخواب‌پیچ	محرمات	بدون نقش و گیاهی	محرمات و قاب‌قابی/ بدون نقش	نگهداری رختخواب و حمل وسایل در سفر
				قاب‌قابی (قابی)	بدون نقش		
			مخده، متکا، بالش	واگیره‌ای	گیاهی	واگیره‌ای/ گیاهی	فراهم آوردن آسودگی هنگام نشستن و خوابیدن
				انواع قابی	گیاهی		
				محرمات	بدون نقش و گیاهی		
				افشان	گیاهی		
			تشک، لحاف، پتو	بدون طرح و نقش	----	واگیره‌ای/ گیاهی	فراهم آوردن آسودگی هنگام نشستن و خوابیدن
				واگیره‌ای	گیاهی		
				انواع قابی	گیاهی		
				محرمات	بدون نقش و گیاهی		
				افشان	گیاهی		
		سخت	رواندار کرسی	ترنجدار	گیاهی	ترنجدار/ گیاهی	حفظ گرما و زینت‌بخشی محیط
				واگیره‌ای	گیاهی		
				محرمات	بدون نقش و گیاهی		
				افشان	گیاهی		
			رومیزی	ترنجدار	گیاهی و هندسی	ترنجدار/ گیاهی	زینت‌بخشی به فضای داخلی
				افشان	گیاهی		
				واگیره‌ای	گیاهی		
				محرمات	یدون نقش و گیاهی		
			روکش صندلی	واگیره‌ای	گیاهی	واگیره‌ای/ گیاهی	آسودگی نشیمن و زینت‌بخشی به فضای داخلی
	کف		روفرشی	محرمات	بدون نقش	محرمات	محافظت از قالی
				ترنجدار	گیاهی و جانوری، انسانی		
			سفره	ترنجدار	گیاهی	ترنجدار/ گیاهی	زیرانداز صرف غذا
				افشان	گیاهی		
				واگیره‌ای	گیاهی		

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

در عصر قاجار نیز همچون امروز، مبلمان نقش مؤثری در فراهم آوردن وسایل آسایش مردم داشت؛ هرچند شکل آن متفاوت می‌نمود. براساس یکی از انواع طبقه‌بندی مبلمان داخلی، می‌توان آن‌ها را به انواع متحرک و ثابت تقسیم کرد. به‌طور معمول، در ساخت مبلمان متحرک، منسوجات نقش قابل‌توجهی ایفا می‌کنند. در بررسی مبلمان متحرک قاجاری، با نظر به سفرنامه‌های به‌جامانده از آن عهد، انواع مبلمان جداره‌ای نرم، مشتمل بر رختخواب‌پیچ، مخده، متکا، بالش، تشک، لحاف و پتو به‌مثابهٔ اقسام پرکاربرد هستند. در شکل مبلمان جداره‌ای سخت نیز کرسی، میز و صندلی، فراوانی بیشتری در کاربرد داشته است که گاه در تجهیز کرسی علاوه‌بر پوشش معمول (لحاف) از رواندازِ افزون نیز استفاده می‌شد یا پارچه به‌عنوان رومیزی یا روکش صندلی استفاده داشت. در تهیهٔ پوشش کف به‌عنوان شکلی از مبلمان متحرک در معنای بسیط، علاوه‌بر منسوجات داری، روفرشی به‌ویژه زیلو و سفره مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. در میان اقسام نه‌گانهٔ طبقه‌بندی طرح پارچه، مشتمل بر انواع واگیره‌ای، قابی، محرمات، افشان، کتیبه‌ای، روایی، محرابی، ترنج‌دار و ترکیبی، برخی در تهیه، ساخت و تزیین مبلمان کمتر دخیل بوده یا استفاده نداشتند و به‌عوض بعضی دیگر به‌صورت گسترده به کار می‌آمدند. به‌عنوان نمونه، طرح‌های محرمات (راه‌راه) و قابی (چهارخانه) به‌صورت نقش‌دار و بیشتر بدون نقش برای تهیهٔ رختخواب‌پیچ استفاده می‌شد. طرح‌های واگیره‌ای، قابی، محرمات و افشان در دوخت اجزاء رختخواب کاربرد داشت؛ ضمن آنکه استفاده از پارچه‌های بدون طرح و نقش برای استفاده در لحاف معمول بود. رواندازِ کرسی و میز نیز با طرح‌های چهارگانهٔ مشابه تهیه می‌شد، با این تفاوت که طرح غالب برای اجزاء رختخواب، واگیره‌ای و برای رواندازِ کرسی و میز، ترنج‌دار بود. برای روکش صندلی نیز درصورت استفاده در ساخت و تکمیل این محصول، طرح واگیره‌ای بسامد بیشتری داشت. در میان کف‌پوش‌ها، محرمات بدون نقش و تا اندازه‌ای ترنج‌دار برای روفرشی و انواع ترنج‌دار، افشان و واگیره‌ای برای سفره در طیف وسیعی تکرار می‌شد، به‌طوری‌که درنهایت می‌توان چهار طرح واگیره‌ای، افشان، محرمات و ترنج‌دار را غالب اقسام کاربردی در مبلمان دورهٔ قاجار در نظر گرفت. از منظر نقش نیز هرچند گاه صور هندسی به تناسب شیوهٔ تولید، یعنی رودوزی در برخی شکل‌های تزیینی همچون رومیزی ظاهر می‌شد، نقش گیاهی مهم‌ترین عنصری بود که همواره زینت‌بخش انواع طرح بود، مگر در مواردی که طرح به‌تنهایی به‌صورت چهارخانه و راه‌راه نمود می‌یافت و عاری از نقش باقی می‌ماند. امید است سایر پژوهندگان با رجوع به منابع دست‌اول و مطالعهٔ موارد ازیادرفته در هنر ایرانی، نسبت‌به احیای مواریث تاریخی اقدام نمایند. در این میان، منسوجات غیرپوشیدنی درمقابل پوشاک و پارچه‌های مصرفی آن، یکی از مصادیقی است که می‌تواند مطالعه و بررسی شود.

پی‌نوشت

۱. طرح اصلی این گروه بر مبنای محراب مساجد است.
۲. طرح‌های ترنج‌دار متشکل از ترنج در میانهٔ طرح است. طرح ترنج‌دار بدون لچک یا همراه با آن است.
۳. طرح واگیره‌ای از تکرار منظم یک نقش در سرتاسر متن به وجود میآید.
۴. طرح قابی که انواع آن به قابقابی، خشتی و بندی شهرت دارد، زیرمجموعهٔ واگیره‌سازی است که جهت تکرار نقش از فضاهای قابی استفاده می‌کند.
۵. در محرمات کل متن به چند ردیف موازی (راهراه) تقسیم می‌شود. ممکن است درون این ردیف‌ها با نقش تزیین شود.
۶. در طرح اینگونه منسوجات از مناظر طبیعی، داستان‌های شاهنامه، وقایع تاریخی و غیره استفاده می‌شود.
۷. در این نوع پارچه، معمولاً آیات قرآن کریم، ادعیه، نام هنرمند بافنده و تاریخ بافت به تصویر درمی‌آید.
۸. در طرح افشان تمام نقوش در متن پراکنده شده‌اند و هیچ یک از آنها قرینه ندارد.

9. Pietro Della Valle

پیترو دلاواله (۱۶۵۲-۱۵۸۶م.) جهانگرد ایتالیایی عصر شاه عباس صفوی بوده است.

۱۰. ایرانی‌ها دوزانو روی قالی ایرانی می‌نشینند. هرجا در دیدار نخست که ایرانی‌ها می‌دیدند ما ژاپنی‌ها دوزانو می‌نشینیم، می‌پرسیدند که طرز نشستن ایرانی را از کجا یاد گرفته‌ایم و نمی‌دانستند که ما هم در ژاپن روی زمین می‌نشینیم (ماساهارو، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

منابع و مآخذ

- اسپروی، ویلفرید (۱۳۷۹). **بچه‌های دربار**. ترجمهٔ فضل‌الله شاهلویی‌پور، چاپ اول، تهران: انجمن قلم ایران.
- استون، پیتر اف. (۱۳۹۱). **فرهنگنامهٔ فرش شرق**. ترجمهٔ بیژن اربابی، چاپ اول، تهران: جمال هنر.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲). **سفرنامهٔ قفقاز و ایران**. ترجمهٔ علی‌اصغر سیدی. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آنه، کلود (۱۳۶۸). **اوراق ایرانی: خاطرات سفر کلود آنه در آغاز مشروطیت**. ترجمهٔ ایرج پروشانی، چاپ اول، تهران: معین.
- ------- (۱۳۷۰). **گل‌های سرخ اصفهان**. ترجمهٔ فضل‌الله جلوه، چاپ اول، تهران: روایت.
- بارنز، آلکس (۱۳۶۶). **سفرنامهٔ بارنز (سفر به ایران در عهد فتحعلی‌شاه)**. ترجمهٔ حسن سلطانی‌فر، چاپ اول، تهران: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- بایندر، هانری (۱۳۹۹). **سیاحت‌نامهٔ هانری بایندر**. ترجمهٔ محمود طبیب، تصحیح سید مرتضی آل‌داود، چاپ اول، تهران: مگستان.
- براون، ادوارد (۱۳۷۵). **یک سال در میان ایرانیان**. ترجمهٔ ذبیح‌الله منصوری، چاپ دوم، تهران: صفار.
- برجیس، چارلز و برجیس، ادوارد (۱۳۸۹). **نامه‌هایی از ایران (۱۸۵۵-۱۸۲۸)**. ترجمهٔ معصومه جمشیدی و حسین اصغرنژاد، چاپ دوم، تهران: فرزان.
- بروگش، هینریش (۱۳۶۷الف). **سفری به دربار سلطان صاحبقران (۱۸۶۱-۱۸۵۹)**. ترجمهٔ محمدحسین کردبچه، جلد اول، چاپ اول، تهران: اطلاعات.
- ---------- (۱۳۶۷ب). **سفری به دربار سلطان صاحبقران (۱۸۶۱-۱۸۵۹)**. ترجمهٔ محمدحسین کردبچه، جلد دوم، چاپ اول، تهران: اطلاعات.
- ---------- (۱۳۷۴). **در سرزمین آفتاب**. ترجمهٔ مجید جلیلوند، چاپ اول، تهران: مرکز.
- بلوشر، ویپرت (۱۳۶۳). **سفرنامهٔ بلوشر**. ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، چاپ اول، تهران: خوارزمی.
- بن‌تان، آگوست (۱۳۵۴). **سفرنامهٔ بن‌تان**. ترجمهٔ منصوره نظام مافی اتحادیه، چاپ اول، تهران: سپهر.
- بیشوپ، ایزابلا (۱۳۷۵). **از بیستون تا زردکوه بختیاری**. ترجمهٔ مهراب امیری، چاپ اول، تهران: سپند.
- پاتینجر، هنری (۱۳۴۸). **سفرنامهٔ پاتینجر (مسافرت سند و بلوچستان)**. ترجمهٔ شاپور گودرزی، چاپ اول، تهران: دهخدا.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). **سفرنامهٔ پولاک: ایران و ایرانیان**. ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- تانکوانی، ژی. ام. (۱۳۸۳). **نامه‌هایی دربارهٔ ایران و ترکیهٔ آسیا**. ترجمهٔ علی‌اصغر سعیدی، چاپ اول، تهران: چشمه.
- تام‌سن، منصور (۱۳۸۹). **طراحی نقوش سنتی**. چاپ دهم، تهران: سهامی خاص.
- جونز بریجز، سرهار فورد (۱۳۸۶). **خاطرات سرهار فورد جونز (روزنامهٔ سفر خاطرات هیأت اعزامی انگلستان به ایران)**. ترجمهٔ مانی صالحی علامه، چاپ اول، تهران: ثالث.
- ---------- (۱۳۹۵). **گزارشی از دربار ایران (سال‌های ۱۸۱۱-۱۸۰۷)**. ترجمهٔ عبدالحسین رئیس‌السادات، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- حاجی‌قاسمی، زهرا؛ هوشیار، مهران و خانکه، مهدی (۱۴۰۰). مطالعهٔ تطبیقی نقوش و انواع سوزن‌دوزی در پوشاک زنان و مردان دربار قاجار. *هنرهای صناعی ایران*، ۴ (۱)، ۱۶۹-۱۵۷.
- حصوری، علی (۱۳۸۵). **مبانی طراحی سنتی در ایران**. چاپ دوم. تهران: چشمه.
- درویل، گاسپار (۱۳۶۷). **سفر در ایران**. ترجمهٔ منوچهر اعتماد مقدم، چاپ سوم، تهران: شباویز.
- دوکوتزبوئه، موریس (۱۳۶۵). **مسافرت به ایران در دوران فتحعلی‌شاه قاجار (۱۸۱۷ میلادی)**. ترجمهٔ محمود هدایت، چاپ اول، تهران: جاویدان.
- دوگوبینو، کنت (۱۳۸۵). **سه سال در ایران**. ترجمهٔ ذبیح‌الله منصوری، چاپ اول، تهران: نگارستان کتاب.

- دیولافوا، ژان (۱۳۳۲). **سفرنامهٔ ایران و کلده**. ترجمهٔ همایون فره‌وشی، چاپ اول، تهران: خیام.
- رایس، کلارا کولیور (۱۳۸۳). **سفرنامهٔ کلارا کولیور رایس (زنان ایرانی و راه‌ورسم زندگی آنان)**. ترجمهٔ اسدالله آزاد، چاپ اول، تهران: کتابدار.
- سایکس، پرسی مولزورث (۱۳۹۸). **سفرنامهٔ سر پرسی سایکس (ده‌هزار مایل در ایران)**. ترجمهٔ حسین سعادت نوری، چاپ سوم، تهران: دنیای کتاب.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). **آدم‌ها و آیین‌ها در ایران**. ترجمهٔ علی‌اصغر سیدی، چاپ اول، تهران: زوار.
- سولتیکف، الکسیس (۱۳۳۶). **مسافرت به ایران**. ترجمهٔ محسن صبا، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سیاح روس (۱۳۶۳). **گزارش ایران از یک سیاح روس به سال ۱۳۰۵ه.ق. (۱۸۸۷م.)**. ترجمهٔ سیدعبدالله، به کوشش محمدرضا نصیری، چاپ اول، تهران: طهوری.
- شهری، جعفر (۱۳۷۸). **تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (زندگی، کسب‌وکار)**. جلد سوم، چاپ سوم، تهران: مؤسسهٔ خدمات فرهنگی رسا.
- ---------- (۱۳۸۳). **طهران قدیم**. جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران: معین.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). **سفرنامهٔ فریزر معروف به سفر زمستانی**. ترجمهٔ منوچهر امیری تهران، چاپ اول، تهران: توس.
- فوربزلیث، فرانسیس (۱۳۶۶). **کیش مات (خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم)**. ترجمهٔ حسین ابوترابیان، چاپ اول، تهران: اطلاعات.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). **سفرنامهٔ فوروکاوا: عضو هیأت اجرایی نخستین سفارت ژاپن به ایران در دورهٔ قاجار (۱۲۹۷ه.ق./ ۱۸۸۰م.)**. ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده و کینیجی‌ئه اورا، چاپ اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فووریه، ژوانس (۱۳۶۲). **سه سال در دربار ایران (خاطرات دکتر ژوانس فووریه پزشک ویژهٔ ناصرالدین‌شاه قاجار)**. ترجمهٔ عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۶۲). **ایران و قضیهٔ ایران**. ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (سهیل کاشانی) (۱۳۴۱). **تاریخ کاشان**. به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: ابن‌سینا.
- گروته، هوگو. (۱۳۶۹). **سفرنامهٔ گروته**. ترجمهٔ مجید جلیلوند، چاپ اول، تهران: مرکز.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۹۰). **سفرنامهٔ نخستین فرستادهٔ سفیر ژاپن به ایران (۱۲۹۷ه.ق./ ۱۸۸۰م.)**. ترجمهٔ هاشم رجب‌زاده، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مافی‌تبار، آمنه و کاتب، فاطمه (۱۳۹۷). بازیابی طرح و نقش پارچه‌های عصر فتحعلی‌شاه قاجار با استفاده از پیکرنگاری درباری. *پژوهش هنر*، ۸ (۱۵)، ۱۰۶-۸۷.
- مافی‌تبار، آمنه (۱۴۰۰). پوشش زنانه و مردانهٔ عصر ناصری در نگاره‌های هزارویک‌شب صنیع‌الملک. *باغ نظر*، ۱۸ (۱۰۵)، ۱۲۲-۱۱۱.
- مالکم، جان (۱۳۶۲). **تاریخ ایران**. ترجمهٔ میرزا محمدعلی حیرت، چاپ اول، تهران: دنیای کتاب.
- معین، محمد (۱۳۸۳). **فرهنگ لغت معین**. چاپ سوم، تهران: زرین.
- مک‌گرگور، کلنل سی. ام. (۱۳۶۶). **شرح سفری به ایالت خراسان**. ترجمهٔ مجید مهدی‌زاده، جلد اول، چاپ اول، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- ---------- (۱۳۶۸). **شرح سفری به ایالت خراسان و شمال‌غربی افغانستان در ۱۸۷۵**. ترجمهٔ اسدالله توکلی طبسی، جلد دوم، چاپ اول، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- موریه، جیمز (۱۳۸۶). **سفرنامهٔ جیمز موریه (سفر یکم)**. ترجمهٔ ابوالقاسم سری، جلد اول، چاپ اول، تهران: توس.
- موزر، هنری (۱۳۵۶). **سفرنامهٔ ترکستان و ایران (گذری در آسیای مرکزی)**. ترجمهٔ علی مترجم، چاپ اول، به کوشش محمد گلبن، تهران: سحر.
- موسوی، سیده مطهره؛ پورمند، حسنعلی و کریمی‌فرد، لیلا (۱۳۹۹). شیوهٔ تعامل مبلمان، معماری و سبک زندگی در خانه‌ها و کاخ‌های سنتی ایران (با تأکید بر دورهٔ قاجار و شهر تهران). *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، ۱۲ (۲)، ۱۷۱-۱۴۷.

- ویشارد، جان (۱۳۹۹). **بیست سال در ایران (روایت یک زندگی در دوران سه پادشاه قاجار)**. ترجمۀ علی پیرنیا، چاپ اول، تهران: آبی پارسی.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۳). **تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه**. ترجمۀ سیدعبدالله، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، چاپ اول، تهران: زرین.
- ---------- (۱۳۸۸). **ایران در یک قرن پیش (سفرنامۀ دکتر ویلز)**. ترجمۀ غلامحسین قراگوزلو، چاپ اول، تهران: اقبال.

- URL1: https://www.iichs.ir/(access date: 4/4/2023).
- URL2: http://www.golestanpalace.ir/(access date: 4/4/2023).
- URL3: https//:web.archive.org/web/20170714090115/http//:library.aqr.ir/vaziri (access date: 4/4/2023).
- URL4: http://textileasart.com (access date: 4/4/2023).
- URL5: https://www.vam.ac.uk (access date: 4/4/2023).
- URL6: https://www.brooklynmuseum.org (access date: 4/4/2023).

Received: 2022/10/18
Accepted: 2023/06/27

The Design and Motif of Textiles in Qajar Furnishings based on Historical Documents*

Ameneh Mafitabar ** **Seyyed AbdulMajid Sharifzade** ***

Abstract

Furnishings, in the general sense of the word rather than its modern usage, had a crucial role in bringing comfort to people during the Qajar period in Iran. Considering the remarkably extensive use of textiles in furnishings, this study aimed to analyze the designs and motifs of textiles used in Qajar furnishings. To this end, first, the use of textiles in Qajar furnishings had to be studied in historical documents. Accordingly, the research question was posed as follows: How could we define different furnishing items used in the living room during the Qajar period and how could we categorize the design and motifs of functional textiles used in their making, finishing, and decoration? The in-depth analytical-historical study of historical documents including travel writings and the textile samples and images such as paintings and photos remaining from the Qajar period indicated that dynamic shapes were used in the majority of furnishings with textiles in this era. Moreover, the items were categorized into three types: soft-surfaced items (rakht-e-khab pich (a kind of mattress and bedclothes covering or bag), cushions, bolsters, pillows, mattresses, quilts, and blankets)., hard-surfaced items (tables, chairs, korsi), and floor covering (rū-farshī (a type of flat-weave used to protect rugs) and sofreh (a cloth on which food is served)). The textiles used in soft-surfaced furnishings, except items without any design or motif, had vagireh (tangled), muharramat (striped), framed, and afshan (scattered). motifs. In hard-surfaced items, medallion (toranj-dar) and vagireh motifs were dominant even though afshan and muharramat were observed in tablecloths. Finally, muharramat and medallion motifs were the most common in rū-farshī and sofreh. In all these items, floral motifs were the most prevalent. However, muharramat and motif-less framed designs were also found and geometric forms were observed in some cases according to the applied technique of embroidery (cheshmeh-duzi). Overall, the results revealed that some of the nine traditional textile designs were not used in the making of Qajar furnishings and some others including afshan, medallion, vagireh, muhrammat, and framed motifs were used to a large extent.

Keywords: Qajar textiles, Qajar furnishings, Historical documents, Textile's design, Textile's motif

---

* This article is derived from a research project titled "Analysis and Categorization of the Designs and Motifs on Qajar Textiles" by Ameneh Mafitabar. This project aims to link University of Art with the Society and Industry. It also has approved by Research Institute of Cultural Heritage and Tourism organization.

** Assistant Professor, Textile and Clothing Design, Faculty of Applied Arts, University of Art, Tehran, Iran. *a.mafitabar@art.ac.ir*

*** Assistant Professor, Research Center of Traditional Arts, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism organization, (RICHT). Tehran, Iran. *s_a_majidsharifzade@yahoo.com*